

پژوهشی در کارکرد ارتباطات غیر کلامی در شعر فروغ

ایرج محمود زاده^۱، لیدا نامدار^۲، جواد طاهری^۳، غلامرضا حیدری^۴

چکیده

بخش قابل ملاحظه‌ای از ارتباطات میان انسان‌ها براساس رفتارهای غیرکلامی شکل می‌گیرد و بسیاری از مفاهیم ارتباطی در تعاملات میان فردی یا عمومی به واسطه نگاه‌ها، اشارات، حالات چهره، لباس‌ها و ... مبادله می‌شود؛ تا جایی که به سخن صاحب‌نظران تنها هفت درصد ارتباطات با ارتباطات کلامی صورت می‌گیرد و بقیه فرایند ارتباطی بر عهده ارتباطات غیرکلامی یا همان زبان بدن می‌باشد که صادق‌ترین نوع ارتباط است. ارتباطات غیرکلامی که اهمیت آن بر هیچ کس پوشیده نیست، در متن ادبی به‌طور عام و شعر به‌طور خاص، کارکرد مهم‌تری داشته، نیاز به بررسی و کندوکاو آن در سخن شاعران دارد؛ چراکه شعر به عنوان یک رسانه سرشار از نشانه‌های گوناگون از جمله همین نشانه‌های غیرکلامی است. پژوهش پیش رو با هدف تأکید بر اهمیت ارتباطات غیرکلامی در فرایند خلق معنا، انتقال پیام و مهم‌تر از آن القای درونیات، احساسات و اندیشه‌های شاعران، کارکردهای شش‌گانه ارتباطات غیرکلامی را در شعر فروغ به روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه استقرایی، واکاوی و گزارش نموده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فروغ خود از کارکرد ارتباطات غیرکلامی آگاه بوده و به فراخور موقعیت‌های مختلف، آگاهانه و ناخودآگاه از آن

^۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد خدابنده، دانشگاه آزاد اسلامی، خدابنده، ایران.

Eraj.mahmoudzadeh@gmail.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی و ادبیات تطبیقی، واحد خدابنده، دانشگاه آزاد اسلامی، خدابنده، ایران (نویسنده

namdar.lida@gmail.com

مسئول)

j.taheri22h@gmail.com

^۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

^۴. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

ghlomreza_heydaril@yahoo.com

بهره برده است. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که بیشترین کارکرد ارتباطات غیرکلامی در شعر فروغ به ترتیب کارکرد جایگزین، تکمیل، تأیید، نقض یا متعارض و کمترین کارکرد، کارکرد تکرار بوده است.

کلید واژه‌ها: ارتباطات غیرکلامی، زبان بدن، شعر، فروغ فرخزاد، کارکرد جایگزین، کارکرد

متعارض.

۱- مقدمه

۱-۱ بیان مسأله

انسان در طول قرون متمادی برای برآوردن نیازها و خواسته‌های جسمی و روحی در زندگی خود ناگزیر به برقراری ارتباط با دیگران بوده است. این ارتباط از همان زمان‌ها تا به امروز از راه‌های گوناگونی صورت گرفته و هیچ انسانی بی‌نیاز از ارتباط نبوده و نیست. در این میان، ارتباط غیرکلامی یکی از ابزارهای مهم در بیان احساسات، درونیات و تفکرات اشخاص به‌ویژه شاعران و نویسندگان بوده و از دوران کهن در آثار آنان نمود یافته است. در شعر معاصر نیز ارتباطات غیرکلامی نقش قابل ملاحظه‌ای در جذابیت اشعار، القای مفاهیم، انتقال احساسات، و تاثیرگذاری بر مخاطب داشته است. از آن‌جا که بررسی و رمزگشایی ارتباطات غیرکلامی در شعر شاعران نکات پوشیده شعر آنان را روشن می‌نماید و به منظور ارائه مدل عملی، پژوهش حاضر برای درک ناگفته‌های شعر فروغ به روش توصیفی تحلیلی به بررسی کارکرد ارتباطات غیر کلامی در سروده‌های او پرداخته است.

۲-۱ اهمیت و ضرورت

از آن‌جا که ارتباطات غیرکلامی می‌تواند منبع مهمی برای برداشت‌های انسان از هم‌نوع خود باشد، از اهمیت بسیاری برخوردار است تا جایی که گاه قضاوت افراد نسبت به یکدیگر براساس ظاهر، چهره و یا نوع پوشش صورت می‌گیرد از این رو اهمیت ارتباطات غیرکلامی، نه تنها کمتر از ارتباطات زبانی نیست بلکه انتقال فضای عاطفی و تأثیرگذاری بر مخاطب با کاربرد ارتباطات غیرکلامی بهتر صورت می‌گیرد و این دو ساحت ارتباط، دو وجه جدایی‌ناپذیر در انتقال مفاهیم و به‌ویژه احساسات و عواطف گوینده به مخاطب هستند. از سوی دیگر از آن‌جا که «کاربرد نشانه‌های غیرکلامی هم‌چون حالت‌های چهره، دست‌ها و چشم‌ها هنگام صحبت در دو گروه زنان و مردان متفاوت است و بر اساس مطالعات این حرکات در گروه زنان شایع‌تر بوده و بخش

مهمی از نظام ارتباطی زنان را تشکیل می‌دهد» (شریفی مقدم و بردبار، ۱۳۸۹: ۱۳۷) اهمیت و ضرورت بررسی آن‌ها در آثار شاعران و نویسندگان زن دو چندان می‌گردد.

۳-۱ پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که درباره ارتباطات غیرکلامی در ادبیات صورت گرفته، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «گفتار بی‌صدا؛ تأملی بر زبان بدن در غزلیات شمس»، ۱۳۹۳ نوشته مینا بهنام و همکاران که ارتباطات غیرکلامی را به اقسام دیداری و آوایی تقسیم کرده، علایم مربوط به فاصله بدنی تقسیم، و طیف معنایی و بسامد تکرار هر یک، با در نظر داشتن بافت غزل مولوی مشخص نموده است. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که مولوی در غزل تنها شاعری درون‌گرا نیست و از مقولات بیرونی، از جمله علایم زبان بدن و گزارش آن‌ها در متن غزلیات شمس نیز غافل نمانده است.

«تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی» نوشته علی‌اکبر باقری خلیلی و مرضیه زلیکانی که به اذعان نویسندگان مصادیق زبان بدن به عنوان یکی از ابزارهای ارتباط غیرکلامی در تاریخ بیهقی به چهار دسته تقسیم شده است: ۱) حرکات و حالات چهره ۲) اشارات و حالات سر و تن ۳) حرکات و اشارات دست ۴) سایر رفتارهای حرکتی.

پژوهش‌های محدودی هم هستند که هر یک از چشم‌اندازی به بررسی ارتباطات غیرکلامی در متون ادبی پرداخته‌اند؛ به شهادت همین پژوهش‌ها و پایگاه‌های اسناد علمی، ارتباطات غیرکلامی در شعر فروغ تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته است. شایان ذکر است نگارندگان در مقاله جداگانه دیگری، مؤلفه‌های ارتباطات غیرکلامی اعم از حرکت اندام‌ها، حالات چهره، فضا و عوامل محیطی، لوازم، لحن و پیرایان، سکوت، و... را بررسی نموده‌اند و در این مقاله صرفاً کارکردهای شش‌گانه ارتباطات غیرکلامی ریچموند و گروکسی در شعر فروغ را واکاوی نموده‌اند.

۲- مبانی نظری تحقیق

۱-۲ ارتباطات غیر کلامی

ارتباطات، تنها شامل گفتار و کلام نیست «از رایج‌ترین شیوه‌های برقراری ارتباط که به ادعای ادوارد.تی.هال^۱، انسان‌شناس اجتماعی ۷٪ از کل ارتباطات ما را تشکیل می‌دهد ارتباطات غیر کلامی است» (Pease, 2004: 323) که ادوارد تی. هال ۲ آن را زبان خاموش یا زبان اشاره می‌نامد (رضایی، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۲).

پیام‌های کلامی ناپیوسته هستند؛ یعنی چند کلمه حرف می‌زنیم، سپس مکث می‌کنیم دوباره چند کلمه تا آخر. پیام‌های غیر کلامی پیوسته هستند ولی رفتار غیر کلامی هرگز متوقف نمی‌شود و حتی زمانی که ما خواب هستیم اعضا و جوارحمان به فرستادن پیام‌های غیر کلامی ادامه می‌دهند. پیام‌های کلامی در درجه اول نقش شناختی یا محتوایی دارند؛ درحالی‌که پیام‌های غیر کلامی بیشتر نقش تأثیرگذاری، رابطه‌ای یا احساسی دارند و محتوای آنچه را می‌گوییم به وسیله پیام کلامی منتقل می‌شود» (ریچموند و کروسکی، ۱۳۸۸: ۸۷-۸۵).

به طور کلی «ارتباط غیر کلامی عبارت است از پیام‌های آوایی و غیر آوایی که با وسایلی غیر از وسایل زبانی و زبان‌شناسی ارسال و تشریح شده است.» (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۲۲) «با توجه به ارتباط نزدیک روان آدمی با حرکات و اشارات صادره از وی و نیمه‌آگاهانه بودن آن، زبان بدن زبانی صادقانه‌تر است. زبان بدن ما را به حقایق ماورای گفت‌وگو آشنا می‌کند. زبان بدن، ما را در برقراری ارتباط بهتر با مخاطب و انتقال پیام‌هایمان یاری می‌دهد.» (فرهنگی و فرجی، ۱۳۸۹: ۴۲۹).

ما می‌توانیم با تکان دادن سر، دست و پا خود، آری یا خیر بگوییم و یا درستی و یا نادرستی سخنی را گواهی دهیم. هنگام سخنرانی یا صحبت، از حرکات اندام‌ها استفاده می‌کنیم و یا بسیاری از احساسات و مکنونات درونی خود را با حالات و اشارات چهره بروز می‌دهیم. ارتباطات غیر کلامی اعم از رفتارها و کنش‌های انسان و حالت صورت و چهره افراد مختلف

^۱ . Edward T. Hall

می تواند احساسات و نگرش های آنها را به طرف مقابل انتقال دهد و این حرکات می تواند تا حد زیادی تأثیرگذارتر از پیام های کلامی باشد؛ افزون بر این «رفتارهای غیرکلامی نقش مهمی در موقعیت های اجتماعی بازی می کنند به ویژه زمانی که پیام دهنده قادر نباشد و یا نخواهد احساساتش را به طور صریح بیان کند» (مهرابین، ۲۰۰۹: ۷۶).

ارتباطات غیرکلامی مانند کلام شفاهی عمل می کنند و یک زبان روان هستند که خود ریتم، واژه، جمله و دستور خاص خود را داراست. ارتباط غیرکلامی برای تداوم و برقراری روابط میان اشخاص به کار گرفته شده است؛ درحالی که «واژه ها تنها برای رد و بدل کردن اطلاعات درباره اتفاقات دنیای خارج مورد استفاده قرار می گیرند... آنچه کلام جسم یک فرد بازگو می کند نوعی گفتگو با بخش نیمه آگاه ذهن است و به این علت است که آن به عنوان نوعی وسیله ارتباطی قدرتمند در نظر گرفته می شود» (جیمز، ۱۳۷۷: ۷۸-۷۷).

۲-۲ کارکرد ارتباطات غیرکلامی

ارتباطات غیر کلامی از دیدگاه ریچموند و کروسکی شش کارکرد عمده دارند:

۱. کامل کردن: پیام های کلامی تنها بخش کوچکی از ارتباط میان فردی را تشکیل می دهند، به همین دلیل است که پیام هایی که با استفاده از کلمات و جملات ارسال می شوند، معمولاً با علائم غیرکلامی همراهند که پیام کلامی را حمایت، اصلاح یا حتی به طور کامل تغییر می دهند» (دانشگر، ۱۳۸۶: ۱۱۹). متقابلاً بیشتر رفتارهای غیرکلامی نیز با کلمات گفتاری همراه و هماهنگند و نقش مکمل کلام را ایفا می کنند و در کنار آن، بر روشن تر شدن و دریافت معنای درست از کلام می افزایند؛ مثلاً اگر کسی بگوید بیچاره ات می کنم فرد مقابل، ناراحت می شود؛ میزان ناراحتی او زمانی که شخص، مستی هم به او بزند و صدایش را هم بلند کند بیشتر می شود. یک پیام غیرکلامی علاوه بر کامل کردن پیام کلامی، آن را تقویت و شفاف می کند؛ بنابراین پیام فرستاده شده، قوی تر و اثرگذارتر خواهد شد. (ریچموند و کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۱).

۲. تکذیب نمودن یا کارکرد متعارض: برخی از پیام های غیرکلامی، مخالف و مغایر با پیام کلامی هستند؛ یعنی گاهی حرکت اندامی، گفتار شخصیت را در شرایطی خاص نقض می کند؛ مثلاً

کارمندی هنگام توییخ از سوی رئیس خود، قول می‌دهد که دیگر اشتباهش را تکرار نکند ولی در حین گفتار خود، لب و لوجه‌اش را آویزان می‌کند و ریشخند می‌زند در چنین حالتی که حرکات او با گفتارش تناسب ندارد، تمایل به باور پیام غیر کلامی بیشتر است.

۳. تکرار کردن: پیام غیر کلامی می‌تواند تکرار پیام کلامی باشد. در این صورت اگر پیام کلامی هم نباشد پیام غیر کلامی می‌تواند مستقلاً انتقال‌دهنده مفهوم مورد نظر باشد؛ برای نمونه زمانی که شخصی را صدا می‌کنید تا نزد شما بیاید با انگشتان دست هم این کار را از او می‌خواهید، در اینجا اگر گفتار حذف شود، رفتار غیر کلامی به روشنی پیام شما را القا می‌کند.

۴. کنترل کردن: در جریان ارتباط کلامی، پیام‌هایی که از طریق رفتار غیر کلامی ارسال می‌شوند معمولاً کارکردی کنترل‌کننده دارند؛ همچون، نگاه کردن، زلزدن به کسی، مکث کردن، بالا و پایین بردن صدا و ... که جریان پیام‌های کلامی را سازمان داده و اداره می‌کنند. تعامل‌های کلامی به سبب کنترل و جهتی که دارند سازمان یافته‌اند. این کنترل و تدبیر وقتی با پیام‌های غیر کلامی همراه شود، بهتر به نتیجه می‌رسد.

۵. جانشینی: وقتی به جای ارسال پیام کلامی از پیام غیر کلامی استفاده شود کارکرد جانشینی رخ داده است؛ مثلاً خصمانه نگاه کردن به کسی، مانند گفتن یک جمله منفی است و یک مفهوم را می‌رساند. تکان دادن سر به طرف بالا و پایین به علامت تأیید و بله گفتن نیز از کارکردهای جایگزین است.

۶. تأکید کردن: پیام‌های غیر کلامی گاه به منظور تأکید، برجسته کردن و تقویت کلام به کار می‌روند. وقتی سخنرانی پیش از شروع سخنرانی‌اش مکث می‌کند حاکی از این است که مطلب مهمی را می‌خواهد بگوید. این کارکردها، همیشه به صورت تفکیک شده از هم ظاهر نمی‌شوند بلکه در برقراری تعامل در گروه و اجتماع اغلب هم‌زمان روی می‌دهند. پیام‌های کلامی بیشتر نقش محتوایی دارند و پیام‌های غیر کلامی، مفهوم عاطفی و احساسی و هیجانی که در ترکیب با هم، کارکردهای چندگانه‌ای می‌یابند (ریچموند و کروکسی، ۱۳۸۸: ۹۶-۹۱).

۳-۲ فروغ فرخزاد

فروغ فرخزاد از شاعران برجسته در شعر نو است که بیش از دیگر زنان شاعر به احساسات و قابلیت‌های زنانه توجه دارد. فروغ شاعری نوجو بود. او به نگرشی شاعرانه و زبانی ویژه دست یافته، به علت عصیان و سنت‌شکنی همواره مورد توجه قرار گرفته است؛ فروغ بیشتر در صدد بوده تا بتواند به دنیای اطراف و خطوط اصلی جهان بنگرد و بتواند حقیقت هستی را کشف و تحلیل کند. مجموعه اشعار او به ترتیب عبارتند از: اسیر (۱۳۳۱)، دیوار (۱۳۳۵)، عصیان (۱۳۳۶)، تولدی دیگر (۱۳۴۱)، ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد (۱۳۴۲).

فروغ شاعری است با دو نگاه متفاوت به بیان بهتر «فروغ فرخزاد یک چهره دارد با دو نیمرخ متفاوت. یکی آینه چهره شاعر «اسیر» و «دیوار» و «عصیان» است که اشعار او را از سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹ در برمی‌گیرد و نیمرخی که آینه چهره شاعر است در «تولدی دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» و اشعار سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۵ را در بردارد. آینه نیمرخ اول، آینه‌ای است کوچک در خانه‌ای محدود، نماینده زنی تنها و معترض با تموج و تلاطم احساسات زنانه و مادرانه در قیام در برابر آداب و سنن معمول و معهود خانوادگی در شعرهایی به قالب چارپاره با خط محتوایی که در سطح می‌گذرد و از آن‌جا که بی‌هیچ ایستگاه و منزل توقف و تعمقی است، خواننده را تنها بر خط افقی و درازای شعر به پیش می‌برد. آینه نیمرخ دوم، آینه‌ای است در جهانی نامحدود، نماینده زنی همچنان تنها با سریان و جریان تخیل و تفکری جهانی در شعرهایی آزاد و با خط محتوایی که در عمق حرکت دارد، با ایستگاه‌ها و منازل توقف و تعمق بسیار» (حقوقی، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۱).

۳- بحث و بررسی

۳-۱ کارکرد ارتباطات غیرکلامی در اشعار فروغ

ارتباطات غیرکلامی در شعر فروغ در وجوه معنایی متفاوتی نمود پیدا کرده و شعر فروغ همچون شعر دیگر شاعران با ناگفته‌هایی پیوند خورده است. رمزگشایی این ناگفته‌ها که مهارت و دانش

بسیاری می‌طلبند، کمک قابل توجهی در درک و دریافت بهتر شعر او می‌نماید. اشعار فروغ هم در بردارنده ارتباطات کلامی و هم ارتباطات غیرکلامی است. در هم آمیختن این دو عنصر ارتباطی از یک سو باعث رسایی و تأثیرگذاری بیشتر گشته و از دیگر سو باعث می‌شود تا ذهن مخاطب، ارتباط بیشتری با اشعار پیدا کند و به دنبال درکی روشن از آن باشد.

۱-۱-۳ کامل کردن

یکی از علائم زبان بدن که پیام‌های کلامی را تکمیل می‌کند نشانه‌های آوایی است. نشانه‌های آوایی می‌توانند ارتباطات کلامی را تکمیل و تقویت یا نقض کنند. این نشانه‌ها در یک تقسیم‌بندی به موارد زیر تقسیم می‌شوند:

۱. مشخص‌کننده‌های آوایی که صداهایی چون هرهر، هق‌هق، ناله و ... را دربرمی‌گیرد.
۲. وابسته‌های آوایی که شدت، دانگ، لطافت، کلفتی و دیگر مشخصه‌های صدا را شامل می‌شود.
۳. تفکیک‌کننده‌های آوایی که اصواتی مثل اهوم، هوم و ... هستند» (رضی و حاجتی، ۱۳۹۰: ۷۹-۷۸).

هنگام سخن‌گفتن با دیگران، به جز کلماتی که بر زبان می‌آوریم بخش زیادی از پیام با صدای شخص به طرف مقابل منتقل می‌شود «پیرازبان عبارت است از ارتباط صوتی بدون استفاده از کلمات. پیرازبان شامل اصواتی چون زمزمه‌ها و نفس‌نفس‌زدن و ویژگی‌های این اصوات است؛ مثل بلندی، ضرب‌آهنگ، زیر و بم آهنگ. این خصوصیات اصوات به دیگران علامت می‌دهد که سخنان ما را به‌عنوان شوخی، تهدید، حقیقت، پرسش و ... تلقی کنند» (وود، ۱۳۸۴: ۳۳۰).

علاوه بر نشانه‌های آوایی، سکوت هم کارکرد مکملی در ارتباطات غیرکلامی دارد. «سکوت، مکمل آوایی ماست و بسته به شرایط، اطلاعات بسیاری راجع به افکار، احساسات، نگرش‌ها و روابطمان با دیگران در اختیار می‌گذارد. سکوت را برحسب مکث‌هایی که در جریان گفتار رخ می‌دهد مورد بحث قرار می‌دهند. این مکث‌ها را به عنوان مکث‌های پر نشده، یا مکث‌های پر شده، شناسایی کرده‌اند، مکث‌های پر نشده یا سکوت، زمانی اتفاق می‌افتد که فعالیت آوایی حین

زبان گفتاری متوقف شود. مکث‌های پر شده وقفه‌هایی هستند که در جریان محتوای گفتاری با اصوات قابل شنیدنی مثل اوهوم، هوم، آره و حتی با لغزش‌های زبانی یا تکرار کردن پر می‌شوند» (ریچموند و کروسکی، ۱۳۸۸: ۲۴۲). سکوت می‌تواند قدرت شخص را نشان دهد و گاه می‌تواند رضایت فرد را به تصویر بکشد و یا بالعکس نارضایتی و ناراحتی او را نشان دهد. سکوت که مطلقاً به معنای ارتباط برقرار نکردن نیست، در سخن شاعران می‌تواند به عنوان مکمل رفتار آوایی لحاظ شود و بسته به شرایط می‌تواند اطلاعات زیادی را در ارتباط با تفکر، اندیشه، احساسات و نگرش‌های شاعران در اختیار خواننده قرار دهد. سکوت در سخن فروغ می‌تواند ناگفته‌های بسیاری را به خواننده منتقل نماید؛ به عبارتی دیگر مکث شاعر، پیام‌ها، احساسات و اندیشه‌های متعددی به مخاطب القا می‌کند. فروغ آن گاه که به علت دردهای بی‌شمار توانایی سخن گفتن ندارد، راه سکوت در پیش گرفته، می‌کوشد با این عمل، دروئیات خود را برای مخاطب ترسیم کند. در این حالت، سکوت پیام غم و اندوهی افزون را به همراه دارد که ناشی از آلام شاعر است و بدون گفتن کلامی بر آن است تا حال خود را در مواجهه با افراد بیان کند:

در سکوت لبم ناله پیچید (فرخزاد، ۱۳۸۶: ۱۳). در سکوت سینه‌ام دستی / دانه اندوه می‌کارد (همان: ۱۱۶).

۲-۱-۳ تکذیب نمودن یا کارکرد متعارض

زبان بدن مانند آینه‌ای است که به ما می‌گوید شخص در واکنش به کلمات و حرکات ما چگونه فکر می‌کند. زبان کلامی، تحت کنترل بخش هوشیار مغز قرار دارد؛ بنابراین انسان می‌تواند به صورت آگاهانه از کلماتی استفاده کند که مغایر با احساسات و نیات درونی او باشد؛ ولی زبان بدن توسط ضمیر ناخودآگاه کنترل می‌شود لذا بیان‌کننده احساسات و نیات واقعی و درونی انسان‌هاست. زبان بدن که شامل رفتارها، ادا و اطوارها و دیگر نشانه‌های بدنی است، سرخ‌هایی از نگرش یا وضعیت فکری واقعی یک شخص به ما می‌دهد (کیافر، ۱۳۹۵: ۲).

بنابراین بدیهی است که برخی از پیام‌های غیرکلامی، مخالف و مغایر با پیام کلامی باشند؛ یعنی گاهی حرکت اندامی، گفتار شخصیت را در شرایطی خاص نقض می‌کند (ریچموند و کروکسی، ۱۳۸۸: ۹۳) و حرکات بدنی یک فرد در تعارض با پیام کلامی او انجام می‌گیرد، گریگوری باتسون این حالت را در قالب نظریه دوسویه معرفی می‌کند. (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۱۸)؛ فروغ خود نیک به این مساله آگاه است: آه! هرگز گمان مبر که دلم/ با زبانه رفیق و همراهست/ هر چه گفتم دروغ بود دروغ/ کی تو را گفتم آنچه دل خواهست (فرخزاد، ۱۳۹۸: ۹۶)؛ بنابراین کارکرد متعارض ارتباطات غیرکلامی در شعر فروغ کاملاً هم ناخودآگاه نبوده و گاه آگاهانه و عامدانه به کار رفته است.

گاه این کارکرد متعارض روشن و آشکار است و گاه پنهان و در پرده؛ برای نمونه خنده و گریه که نقش مهم تری در بیان و انتقال درونیات دارند گاه کارکرد متعارضی به خود می‌گیرند و خنده که معمولاً نشانه شادی و سرور است؛ به روشنی معنای کاملاً متضادی را القا می‌کند «واکنش خنده یکی از رایج‌ترین رفتارهایی است که شخصیت‌ها برای کنترل حالت‌های چهره استفاده می‌کنند، از این رو رمزگشایی از این نوع ارتباط غیرکلامی کمی دشوار است؛ زیرا خنده صورت‌های مختلفی دارد و می‌تواند ساختگی باشد» (پیز، ۱۳۸۸: ۹۱). فروغ در این سروده از لبخند تلخی می‌گوید که پیام دل‌شکستگی و اندوه دارد، در واقع خنده که صورت‌ها و جنبه‌های مختلفی دارد، در این سروده، ساختگی و غیرواقعی است؛ خنده‌ای که در پس آن، دلی اندوهگین، خانه دارد: عاقبت، بند سفر، پام بست/ می‌روم خنده به لب، خونین دل (فرخزاد، ۱۳۹۸: ۲۳). در نمونه زیر نیز این کارکرد متعارض کاملاً آشکار است: خنده‌ام غمناکی بیهوده‌ای (همان: ۲۴۵).

در شعر زیر نیز خنده، کارکرد متعارضی یافته و سخت‌خندیدن فروغ که با پژمردگی و محیطی خشک و کویری همراه است، احساس اندوه و ناراحتی را القا می‌کند اما نه به روشنی نمونه‌های پیشین. فروغ با توصیف محیط بیرونی و نیز انتقال درونیات خود که همگی از حال ناخوشش حکایت دارند ناخودآگاه به بیان و ترسیم خنده تلخ خود پرداخته که همگی نشانه درد و رنج

اوست نه شادی: در ره خود، بس گل پژمرده را دیدم / چشم‌هاشان چشمه خشک کویر غم / تشنه یک قطره شبنم / من به آن‌ها سخت خندیدم (همان: ۱۳۶). خندیدن باعث می‌شود تا همگان فرد خنده‌رو را انسانی شاداب و خوشحال بدانند، عموماً پیام فرد خنده‌رو، خوشحالی و شادابی است اما اندوه فروغ سبب شده تا این شادی و خنده کارکرد متعارضی یابد.

عکس این قضیه نیز صادق است؛ در این شعر، اشک نشسته در چشم، کارکرد متعارضی یافته و برخلاف عادت معمول نه از روی اندوه که نشانه شوق و اشتیاق است: آن ماه دیده است که لرزیده اشک شوق / در آن دو چشم وحشی و بیگانه رنگ او (همان: ۱۸). گریه نیز در شعر فروغ همچون خنده هم در القا و انتقال حالت خوشی و هم ناخوشی به کار رفته و این بدین معناست که هم کارکرد مکمل و تأییدی دارد هم کارکرد متعارض.

۳-۱-۳ تکرار کردن

ناگفته پیداست که بیان برخی از حالات پریشانی و اندوه با حرکات اندام‌ها همراه هستند، برای نمونه فروغ در این شعر برای ابراز عجز و ناچاری خویش علاوه بر بیان کلامی «سر بر نامه گذاشتن» حالت غیرکلامی آن را نیز برای خواننده ترسیم ساخته است؛ سر بر روی نامه‌ای می‌گذارد که یادگاری از طرف معشوق است و با این عمل به صورت ناخودآگاه اوج ناراحتی خود را در فراق یار نشان می‌دهد:

جام باده سرنگون و بستم تهی / سر نهاده‌ام به روی نامه‌های او / سر نهاده‌ام که در میان این سطور / جست‌وجو کنم نشانی از وفای او (فرخزاد، ۱۳۸۶: ۶۵).

و نیز در این ابیات که با بیان «سر نهادن بر روی دفتر»، پیامی همچون از خود بی خود شدن و غوطه‌ور شدن در عالم خیال و رؤیا را به خواننده نشان می‌دهد:

خیره در سایه‌های وحشی بید / می‌خزم در سکوت بستر خویش / باز دنبال نغمه‌ای دلخواه / می‌نهم سر به روی دفتر خویش (همان: ۱۰۵). سر نهادن بر روی دفتر از خستگی و غم و ناامیدی حکایت می‌کند و مخاطب می‌تواند در این نوع حالت، عجز و ناتوانی فرد را به وضوح دریابد؛ کسی که

برای بیان و شدت خستگی خود، به صورت اتفاقی سر، بر دفتر می گذارد شدت درماندگی اش را با این عمل نشان می دهد:

تو، خسته چون پرندۀ پیری / رو می کنی به گرمی بستر / با پلک های بسته لرزان / سر می نهی به
سینه دفتر (همان: ۱۵۵)

افکندن سر به زیر، در پای ضریحی مقدس، حالت التماس و خواهش برای دستیابی به خواسته ای درونی است که می تواند فروتنی شخص را در بیان نیاز خود نشان دهد، محققان بر این باورند «هنگامی که سر رو به پایین باشد، به مفهوم تواضع خواهد بود» (کونکه، ۱۳۹۲: ۶۶) شاعر در شعر زیر با بیان این تواضع، درصدد است تا نیاز خود را با این شکل بیان کند:

می توان یک عمر زانو زد / با سری افکنده، در پای ضریحی سرد (همان: ۲۲۹).

۴-۱-۳ کارکرد کنترل کننده

در جریان ارتباط کلامی، پیام هایی که از طریق رفتار غیرکلامی ارسال می شوند، معمولاً کارکردی کنترل کننده دارند؛ همچون، نگاه کردن، زلزدن به کسی، مکث کردن، بالا و پایین بردن صدا و ... که جریان پیام های کلامی را سازمان داده، اداره می کنند. تعامل های کلامی به سبب کنترل و جهتی که دارند سازمان یافته اند. این کنترل و تدبیر وقتی با پیام های غیر کلامی همراه شود، بهتر به نتیجه می رسد. (ریچموند و کروکسی، ۱۳۸۸: ۹۳) «ما بدون حتی یک کلمه، می توانیم با چشم هایمان به هم نوعانمان نزدیک شده، از آن ها دوری گزیده، آن ها را کنترل کرده، به آن ها عشق ورزیده یا آن ها را مورد خشم و توهین قرار دهیم» (همان: ۲۱۶). در این شعر، چشم مرد زندانبان برای طرف مقابل حس نفرت و خشم را تداعی می نماید: به چشم مرد زندانبان بخندم / کنارت زندگی از سر بگیرم (فرخزاد، ۱۳۸۶: ۱۶). در این نمونه ارتباط غیرکلامی چشم کارکرد کنترل کننده دارد. این چشم ها با همان اسارت و محدودیتی که دارند، وجود شاعر را همواره تحت کنترل دهند بر آنند تا فرد مقابل را تحت تأثیر قرار داده، بر او تسلط یابند؛ ترکیب وصفی چشم های وحشی نشان از سلطه بر طرف مقابل دارد «درگذشت پرشتاب لحظه های سرد / چشم های وحشی تو در سکوت خویش / گرد من دیوار می سازد (همان: ۱۲۷). یا

«لیک چشمان تو با فریاد خاموشش / راه‌ها را در نگاهم تار می‌سازد / همچنان در ظلمت رازش / گرد من دیوار می‌سازد (همان: ۱۲۹-۱۲۸).

کارکرد تقویت‌کننده، تفاوت جایگاه ارتباطات غیرکلامی را در زندگی روزمره و در آثار ادبی روشن می‌سازد «یکی از تفاوت‌های بنیادینی که میان علایم زبان بدن در زندگی روزمره و در آثار ادبی وجود دارد این است که برخلاف آنچه در ارتباطات انسان‌ها در زندگی واقعی رخ می‌دهد، زبان بدن می‌تواند تقویت‌کننده رفتارهای کلامی و زبانی گوینده باشد» (بهنام و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۷). در ادبیات، ارتباط کلامی و غیرکلامی با هم به مخاطب ارائه می‌شوند و شاعر و یا نویسنده در گزینش واژگان و جملات، مهارت خاصی به کار می‌گیرد و می‌تواند با لحن و آهنگ و فن موسیقی شعر، حالات و احساسات گوناگون و متعددی همانند شادی، اندوه، حیرت، حسرت، تفکر، بی‌خیالی و ... را به مخاطب القا کند؛ بنابراین بستر ادبیات «محل دلالت‌های فراوان فرامتنی است که خواننده را قادر به تفسیرهای متفاوتی می‌کند. در بررسی شعر همواره باید در نظر داشت که با توجه به نظم آهنگین و وقوع متفاوت عنصر خیال، باید با دیدگاهی زیباشناسانه به شعر نگریسته شود؛ هر چند زیبایی کیفیتی ساده و تعریف‌ناپذیر دارد اما درک زیباشناسانه، موضوعی مرکب است که هم عوامل عقلی و همه عوامل عاطفی در آن دخالت دارد» (شپرد، ۱۳۷۵: ۱۱۰).

۵-۱-۳- کارکرد جانشینی

یکی از مهم‌ترین کلیدهای ارتباط مؤثر در شعر فروغ این است که در جایی که زبان، توانایی ابراز عواطف و هیجانات را نداشته باشد، توصیف این احساسات با ارتباطات غیرکلامی یا همان زبان بدن انجام می‌شود: آنچه در من نهفته، دریایی است / کی توان نهفتمم باشد / با تو زین سهمگین طوفان / کاش یارای گفتمم باشد (فرخزاد، ۱۳۹۸: ۱۴). کارکرد زبان بدن، در این حالت، نقشی جایگزین است؛ بهترین نمونه برای این کارکرد، حرکت دست‌هاست که معمولاً آگاهانه و به طور عمدی انجام نمی‌شوند؛ هنگام عصبانیت، شخص، بی‌هیچ کلام و کلمه‌ای، مدام دست‌های خود را درهم می‌پیچد و یا با انگشتر و یا با ساعت خود بازی می‌کند و به این

شیوه، ناخودآگاه احساسات و حالات درونی خود را نشان می‌دهد. حرکات دست پس از چهره می‌تواند دومین وسیله ارتباط غیر کلامی با دیگران باشد که فعال‌ترین عضو ارتباطات غیرکلامی نیز به شمار می‌آید. «حرکت دست جایگزین خوبی برای زبان کلامی است و در مواقعی بسیار صریح‌تر و نافذتر از کلام عمل می‌کند. پیام‌های دست، بسته به مخاطب و بسته به بافت ارتباط، متفاوت است؛ مثلاً دلالت بر اندوه، دوستی، قطع ارتباط، خشم و... دارد» (عرب یوسف آبادی، ۱۳۹۸: ۲۰). برای نمونه پیش بردن دست به نزد شخصی دیگر جایگزین مناسبی برای الفاظ مربوط به کمک خواستن است این شکل از کمک، گاه با التماس آمیخته می‌شود. فروغ در این سخنان براساس شیوه رفتاری و حرکات دست به شکل ناخودآگاه وضعیت را به گونه ای رقم زده که مخاطب بتواند بی هیچ واژه‌ای از این دست‌های ملتمس، مفهومی همچون عجز و ابراز کمک را دریافت کند: و دست‌های ملتمسش از شکاف‌ها/ مانند آه‌های طولی، به سوی من / پیش آمدند (عرب یوسف آبادی، ۱۳۹۸: ۲۵۹). دست‌های دراز به سمت دیگری خواه در یک رابطه عاطفی و یا رابطه اجتماعی جایگزین مفهوم درخواست کمک و یاری گرفتن، از طرف مقابل است: از میان پنجره می‌دیدم / که آن دو دست، آن دو سرزنش تلخ / و همچنان دراز به سوی دو دست من (همان: ۲۶۰).

مالیدن چشم با دست نیز در این شعر کارکردی جایگزین دارد و جایگزین بیان حالت گنگی و در میان خواب و بیداری بودن می‌باشد. البته در این شعر، زبان بدن علی کوچیکه و حرکت دستش، به شکلی واضح این گنگی را نشان می‌دهد؛ ملاحظه می‌شود که این شکل از زبان بدن، صریح و آشکار و دور از پیچیدگی و ابهام است و مخاطب به راحتی متوجه پیام این حرکت می‌شود، زیرا که پریدن از خواب در هنگام شب رخ داده و علی بی‌خبر از اطراف به دنبال پیدا کردن موقعیت خود است:

علی کوچیکه / علی بونه‌گیر / نصف شب از خواب پرید / چشماشو هی مالید با دس (همان: ۲۷۰).

از دیگر نمودهای ارتباطات غیرکلامی که کارکرد جانشینی دارد حالات چهره است. برای انتقال حس درد و اندوه جدا شدن از عشقی عبث و بی حاصل و محال چه بیانی رساتر از رقص اشک و لرزش صدا می توان یافت که هر دو به طور ناخودآگاه و بدون اراده و اختیار روی می دهد: ناله می لرزد/ می رقصد اشک/ آه بگذار که بگریزم من/ از تو ای چشمه جوشان نگاه (فرخزاد، ۱۳۹۸: ۲۳) شاعر به جای ارسال پیام کلامی از پیام غیرکلامی استفاده نموده است و لرزش اشک شوق در چشم را جانشین کلماتی ساخته که شدت شادی و خوشحالی را می رسانند؛ این کارکرد، کارکرد جانشینی است.

پاها نیز یکی از ابزارهای مهم در ارتباطات غیرکلامی است که گاه جایگزین ارتباط کلامی می شود و از همین روست که هسته اصلی ژست های بدن، هنگام نشستن تعیین می شود. در دنیای ارتباطات غیرکلامی، زبان پاها جذاب است؛ چراکه وقتی فرد می کوشد تا زبان بدنش را تحت کنترل گیرد عموماً بر زبان بدن بخش فوقانی متمرکز می شود و ممکن است زبان بدن پاها آنچه را که در فکرش می گذرد را آشکار کند؛ یعنی شیوه راه رفتن، کوتاهی و بلندی گام ها، سبکی یا سنگینی قدم ها و ... هر یک، نشانه مفهوم خاصی هستند. در شعر زیر، بیان شیوه راه رفتن، جایگزین بیان کلامی شوق و اشتیاق شدید است. از آنجاکه انسان در حالت شادی، گام های محکمی برمی دارد، در قطعه زیر فشردن پاها بر روی سبزه ها جانشین واژگانی شده که مبین شادمانی و شوق رهایی است و شخص نه در وضعیت عادی که در حالت جست و خیز و طرب، آن حالت را تجربه می کند: می گریزم از تو تا در دامن صحرا/ سخت بفشارم به روی سبزه ها پا را (فرخزاد، ۱۳۸۶: ۱۲۸). در این نمونه نیز کارکرد زبان بدن، کارکرد جانشینی است. نکته دیگر این کارکرد بیشتر به صورت ناخودآگاه است به طور مشخص در خصوص حرکت پاها صاحب نظران معتقدند «از آن جا که پاها نسبت به دیگر قسمت های بدن از مغز دورتر هستند، توده خاکستری مغز، کنترل کمتری روی آنها نسبت به دست ها یا حالات صورت دارد. شما از اینکه پاها در چه جهتی قرار دارند یا چه حرکاتی انجام می دهند نسبت به چشم ها که خیلی به مغز نزدیک اند، آگاهی کمتری دارید» (کونکه، ۱۳۹۲: ۲۰۲).

سکوت هم در شعر فروغ گاه کارکرد جانشینی یافته، جایگزین کلمات و کنش‌های گفتاری می‌شود و بهترین و گویاترین و صادق‌ترین ابزار برای انتقال احساسات واقعی شاعر به‌ویژه حس درد، پریشانی، اضطراب و غم می‌گردد: اگر خواهم که خاموشی گزینم / پریشان می‌کنم کاشانه‌ای را (همان: ۱۶) سکوت در این سخن، جانشین کلام غم‌انگیز و اندوهناکی است که جان شاعر را سخت آزرده است: در دامن سکوت غم افزایش / اندوه خفته می‌دهد آزارم (همان: ۲۲).

۶-۱-۳ - تأکید کردن

پیام‌های غیرکلامی گاه به منظور تأکید، برجسته‌کردن و تقویت کلام به کار می‌روند. پیام‌های کلامی بیشتر نقش محتوایی دارند و پیام‌های غیر کلامی، مفهوم عاطفی و احساسی و هیجانی که در ترکیب با هم، کارکردهای چندگانه‌ای می‌یابند (ریچموند و کروکسی، ۱۳۸۸: ۹۶-۹۱) در این شعر:

برادرم شفای باغچه را در انهدام باغچه می‌داند / او مست می‌کند / و مشت می‌زند به در و دیوار که بگوید / بسیار دردمند و خسته و مأیوس است (فرخزاد، ۱۳۹۸: ۳۰۶). همان‌طور که شاعر خود می‌گوید انجام حرکاتی مانند "مست کردن و مشت زدن بر در و دیوار" برای تأکید و تقویت این پیام است که او بسیار خسته و دردمند است.

گاه ارتباطات غیرکلامی در خدمت تأکید وضعیت موجود و عواطف و احساسات درونی شاعر اعم از غم و خشم و شکست و تنهایی اوست؛ برای نمونه گاه شیوه راه رفتن و حرکت پاها صرفاً به جهت تأکید وضعیت موجود و عواطف و احساسات درونی است. در سروده زیر شیوه راه رفتن و حرکت پاها به گونه‌ای است که مفهوم تردید و دودلی را القا می‌کند. فروغ در شعر زیر، اشتیاق شدید را برای بازگشت به شهر و زادگاهش پس از دوری چند ساله به واسطه

حرکت پاها به خواننده القا می‌کند؛ دوری ای که شاعر را با پریشانی ناشی از ندیدن چندین ساله شهر و دیارش مواجه کرده است. حرکت پاها در این قطعه برای تأکید بر احساس اشتیاق و اضطراب همزمان شاعر است. گاه آدمی در رفتن به سمت چیزی که به آن علاقه وافری دارد، دچار دلهره و اضطراب می‌شود؛ این پریشانی در پاها نمود می‌یابد، به بیانی دیگر «ما تمایل داریم به سمت چیزهایی برویم که دوستشان داریم یا برایمان خوشایند هستند و این شامل افرادی که با آنها تعامل داریم نیز می‌شود» (ناوارو، ۱۳۹۶: ۸۸) فروغ نیز با دیدن شهری که مطلوب اوست به سمتش می‌رود و در عین حال با لرزش پاهایش پیام اضطراب و شک را ناخودآگاه منتقل می‌کند:

شهر جوشان درون کوره ظهر / کوچه می‌سوخت در تب خورشید / پای من روی سنگفرش
خموش / پیش می‌رفت و سخت می‌لرزید (فرخزاد، ۱۳۸۶: ۱۶۹).

کارکرد تأکیدی ارتباطات غیرکلامی گاه با واژگان و قیدهای تأکیدی مانند: هرگز، هنوز، فقط همراه است و گاه با کاربرد استفهام انکاری و شگردهای دیگری مانند استفاده از قسم، تکرار و ... دل اگر دل بود باز می‌نالید / که هنوزم نظر به او باشد (گم‌گشته / اسیر) تلفیق ارتباطات کلامی و غیر کلامی باعث تأکید فضای ذهنی شاعر و وحدت بیان شاعرانه می‌شود.

دست‌ها نیز به‌عنوان کاربردی‌ترین اعضای بدن در ارتباطات میان‌فردی می‌توانند سبب تسهیل، شفاف‌سازی و یا تأکید بر حرف‌هایی که می‌زنیم باشد. دست‌ها نشانه‌های مختلفی با خود همراه دارند؛ «مثلاً گذاشتن دست بر روی دهان به معنای دستپاچگی، سفید شدن انگشتان به معنای عصبانیت، مشت کردن انگشتان به معنای پرخاشگری، گذاردن دست‌ها بر روی چشم به معنای شرم و ناخن خوردن و گزیدن انگشتان به معنای عصبی بودن است» (هارجی، ۱۳۷۷: ۵۹-۵۸) و یا نمونه‌ای دیگر اینکه «وقتی مردم دست‌هایشان را محکم درهم می‌فشرند یا انگشت‌هایشان را درهم قلاب می‌کنند؛ خصوصاً در زمان عکس‌العمل نشان دادن به یک نظر، واقعه یا تغییر مهمی که در محیط رخ داده است، معمولاً نشانه استرس یا اعتماد به نفس پایین است. این رفتار آرام‌کننده رایج که در مردم سراسر جهان دیده می‌شود به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد آنها

در حال دعا کردن هستند و شاید به صورت ناخودآگاه یا آگاهانه واقعاً همین طور باشد؛ درحالی که شدت فشرده شدن دست‌ها به هم بیشتر می‌شود رنگ انگشت‌ها هم ممکن است تغییر کند و سفید شود؛ زیرا خون از قسمت‌هایی که در آنها فشار وجود دارد به سمت قسمت‌های دیگر می‌رود. وقتی این رفتار از کسی سر می‌زند، حتماً اوضاع در حال بدتر شدن است» (ناوراو، ۱۳۹۶: ۲۲۱-۲۲۰).

گاه نیز «سکوت می‌تواند بر اصل موضوع گفتار حالت تأکیدی ببخشد یا بخشی از آن را برجسته‌تر کند. در گفتار معنای قابل ملاحظه‌ای به سخن ببخشد. مثلاً برخی از مردم نه به نشانه مخالفت با کسی بلکه برای حمایت از او با جلب رضایت از وی، به راحتی سکوت اختیار می‌کنند» (ریچموند و کروسکی، ۱۳۸۸: ۲۴۴) فروغ نیز در این شعر برای به تصویر کشیدن تنهایی، سکوت را برمی‌گزیند و آن را عاملی در جهت بیان بی‌کسی‌های خود می‌داند. از این حالت خود احساس بدی ندارد و با درپیش گرفتن سکوت نمی‌خواهد کسی پیلۀ تنهایی‌اش را بشکافد: در سکوت‌م نغمه‌خوان لب‌های تنهایی (همان: ۱۳۶).

سکوتی که فروغ از آن می‌گوید بیشتر، پیامی چون اندوه و درد را به همراه دارد که از شدت غم توان سخن گفتن را در خود نمی‌بیند و تنها با زبان بدن و آن هم سکوت، درونیاتش را به دیگران منتقل می‌کند: بیش از این‌ها، آه، آری/ بیش از این‌ها می‌توان خاموش ماند (همان: ۲۲۸).

سکوت در زبان بدن حضوری نشانه دار و معنادار خلق می‌کند و زمانی معنادار است که یک فقدان و یا یک جای خالی در بافت گفتمانی به یک مدلولی دلالت کند که دائماً به تأخیر می‌افتد. سخن گفتن و دوری از افراد با سکوت در سخن فروغ، ترجیح تنهایی و بر زبان نیاوردن رازهای درونی اوست که در پس آن خود را پنهان کرده است:

سکوت چیست، چیست، چیست ای یگانه‌ترین یار؟/ سکوت چیست به جز حرف‌های ناگفته/ من از گفتن می‌مانم (همان: ۳۱۱). یک پنجره برای من کافیهست/ یک پنجره به لحظه آگاهی و نگاه و سکوت (همان: ۳۲۱).

نتیجه‌گیری

برایندی که از این بررسی به عمل آمد نشان می‌دهد فروغ نیز همچون دیگر شاعران از شیوه کاربرد و بهره‌گیری از ارتباطات غیرکلامی به مثابه یکی از دلالت‌های فرامتنی در آثار خود، به دور نبوده‌است. استفاده او از زبان بدن سبب شده است تا ذهن مخاطب با معنای شعر ارتباط بیشتری برقرار نماید و آمیختگی دو عنصر کلامی و غیرکلامی باعث تأثیرگذاری بیشتر شعر او بر خواننده گردد. این تأثیرگذاری به قدری مؤثر بوده که در موارد متعددی ارتباطات غیرکلامی نسبت به ارتباط کلامی قدرتمندتر و پرنفوذتر عمل نموده است. فروغ که در جهت رسیدن به بیان طبیعی کلام و به منظور تأثیرگذاری بیشتر در القای دروئیات، احساسات و اندیشه‌های خود گاه آگاهانه عامدانه و گاه ناخودآگاه از ارتباطات غیرکلامی بهره برده، از قدرت بالای ارتباطات غیرکلامی در القای احساسات و هیجانات و انتقال اندیشه‌ها و گسترش معنا غافل نبوده است. یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد با این‌که ارتباطات غیرکلامی در بیشتر موارد به صورت ناخودآگاه از گوینده سر می‌زند؛ اما در مورد فروغ کاملاً هم ناخودآگاه نبوده و خود شاعر تأکید داشته که اولاً از اهمیت و کارکرد ارتباطات غیرکلامی آگاه بوده و از آن به فراخور موقعیت‌های مختلف بهره برده و اذعان داشته که در مواردی آنچه با کلام و زبان گفته، برخلاف احساس درونی‌اش بوده است. بیشترین کارکرد ارتباطات غیرکلامی در شعر فروغ به ترتیب کارکرد جایگزین، تکمیل و تأیید و نقض و کمترین کارکرد، کارکرد تکرار بوده است.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتاب‌نامه

- پیز، آلن، (۱۳۸۲)، زبان بدن، ترجمه زهرا حسینیان، مشهد: نشر ترانه.
- حقوقی، محمد (۱۳۸۴)، شعر زمان ما (فروغ فرخزاد)، تهران: نگاه.
- جیمز، جودی، (۱۳۷۷)، کلام جسم، ترجمه آرین ابوک، تهران: نسل نواندیش.
- ریچموند، ویرجینیا و مک کروسکی، جیمزسی، (۱۳۸۸)، رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی، ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله پور، تهران: نشر دانژه.
- شپرد، آن، (۱۳۷۵)، مبانی فلسفه هنر، ترجمه علی رامین، تهران: علمی و فرهنگی.
- فرخزاد، پوران؛، (۱۳۸۶)، مجموعه شعرهای فروغ فرخزاد، چاپ هفتم، تهران: نیکا.
- فرخزاد، فروغ، (۱۳۹۸)، مجموعه اشعار فروغ فرخزاد، تهران: آوینا.
- کونکه، الیزابت، (۱۳۹۲)، زبان بدن به زبان آدمیزاد، ترجمه زهرا نعمتی، تهران: نشر هیرمند.
- کیافر، خشایار، (۱۳۹۵)، زبان بدن؛ روان‌شناسی حرکات بدن انسان، تهران: کدیور.
- ناوارو، جو، (۱۳۹۶)، از کجا بفهمیم دیگران به چه فکر می‌کنند (تعبیر دقیق زبان بدن)، ترجمه آزاده مبشر، تهران: راشین.
- وود، جولیا (۱۳۸۴)؛ ارتباطات میان فردی، روان‌شناسی تعامل اجتماعی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، چ دوم، تهران: مهتاب

Pease, Allen and Barbara (2004). The definitive book of body language. Australia. Pease international. Rockport, Massachusett.

مقاله‌ها

- بهنام، مینا و دیگران، (۱۳۹۳)، «گفتار بی‌صدا تأملی بر زبان بدن در غزلیات شمس»، فنون ادبی، دانشگاه اصفهان، سال ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۳۳-۴۸.
- دانشگر، محمد، (۱۳۸۶)، «نقش ارتباطات غیرکلامی در داستان‌پردازی مولانا»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ش ۱۶، تابستان، صص ۱۱۵-۱۳۶.

رضی، احمد و حاجتی، سمیه، (۱۳۹۰)، «رمزگشایی از رفتارهای غیرکلامی در داستان روی ماه خداوند را ببوس»، نشریه علمی- پژوهشی زبان و ادب فارسی، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، تابستان، صص ۸۸-۶۵.

-شریفی مقدم، آزاده و آناهیتا بردبار، (۱۳۸۹)، «تمایزگونی جنسیت در اشعار پروین اعتصامی»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی زبان پژوهی دانشگاه الزهرا (س)، سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان، صص ۱۵۱-۱۲۵.

-فرهنگی، علی اکبر و حسین، فرجی، (۱۳۸۹)، «زبان بدن از نگاه مولانا در مثنوی معنوی»، پژوهشنامه ادب حماسی، تابستان و پاییز، ش ۹، صص ۶۲-۴۲۹.